

حقوق و آزادی‌های اساسی برای رشد جامعه سیاسی الهی ضروری است، اما اگر در راستای قانون و ارزش‌های جامعه نباشد، نتیجه عکس خواهد داشت؛ چراکه تاریخ به ما نشان داده است هرکجا جامعه برخلاف قانون حرکت کرده، دچار لغزش شده و آن نتیجه مطلوب را اخذ نکرده است. یکی از امتیازات اصل ۲۷ قانون اساسی ایران مبنی بر آزادی تجمعات، سابقه قانون‌گذاری این اصل در جمهوری اسلامی است که به عنوان یک اصل مترقی در مردم‌سالاری دینی مطرح است.

آزادی اجتماعی در تاریخ بشر مقوله‌ای بسیار مهم و چالش‌برانگیز است که بعد از به وجود آمدن انقلاب صنعتی و فرهنگی رنسانس در سده ۱۶ میلادی و ورود به عصر مدرنیته، از اهمیت بسزایی برخوردار شد. حتی بعد از گسترش آن در کشورهای مختلف از جمله ایران بعد از انقلاب مشروطه و نیز انقلاب اسلامی، این موضوع (آزادی اجتماعی) به طور واقعی‌تر دارای ارزش اجتماعی شد.

طی دوره انقلاب و در برهه‌های مختلف، با توجه به موضوعات گوناگون، تجمعات و اجتماعات مردمی مختلفی رخ داده است. در دهه اخیر به دلایل مختلف از جمله اقتصادی و فرهنگی، این تجمعات شکل جدیدی به خود گرفته است، به طوری که گاهی تجمعات اصناف شغلی برای اعتراض به دستمزدها، گاهی تجمعات جریان‌های سیاسی یا موج‌های فرهنگی برای اعتراض به تصمیمات و سیاست‌ها و گاهی هم تجمعات عمومی بروز می‌یابد. آنچه در این واقعه مشاهده می‌شود فقدان اجرای صحیح قانون و مدیریت ناصحیح در این زمینه است؛ در واقع عدم وجود راهکاری عملی برای بهره‌برداری و دفاع مردم از حق آزادی اجتماعی‌شان. این اجتماعات معمولاً به هرج و مرج و اغتشاش می‌انجامد که موجب ضرر و زیان در جامعه می‌شود و هزینه‌های کلانی به دولت تحمیل می‌کند.

نگارنده در این یادداشت درصدد است که با توجه به استنادات حقوقی و فقهی و نیز ضرورت این دو مورد برای حل مسئله، راهکار علمی و عملی ارائه دهد تا از این پرسش مهم و دغدغه‌مند به پاسخی درست برسد. به طور قطع، می‌توان گفت مقالات اندکی در این زمینه، که جامعه‌شنه آن است، نوشته شده و این در نظام علمی کشور یک نقص بزرگ است. امیدواریم این نقیصه رفته‌رفته کمتر شود و جامعه علمی در برابر پرسش‌های حیاتی مردم، آماده پاسخ متقن باشد.

تاریخچه قانون آزادی اجتماعات

اصل ۲۷، به اصل ۲۱ قانون اساسی مشروطیت مبنی بر مشروطه‌خواهی و دستورگرایی برمی‌گردد. بنابر اصل ۲۱ قانون اساسی مشروطه، اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیایی و مخل به نظم جامعه نباشد، آزاد است ولی مجتمعی نباید

اسلحه داشته باشند و باید قانون نظمیه را در میدان‌های عمومی رعایت کنند.

البته باید توجه داشت که این اصل هیچ‌گاه مورد توجه ملت ایران قرار نگرفت، اما با طلوع انقلاب اسلامی و تأسیس مجلس خبرگان، دوباره به این اصل توجه شد که در جلسه اول نتوانست رأی بیاورد، ولی ۵۴ روز بعد، یعنی ۲۴ آبان ۱۳۵۸، اصل دیگری مبنی بر آزادی تجمعات بدون حمل سلاح و بدون اخلاف در مبانی اسلام وارد شد که در بازنگری قانون اساسی بر جای خود باقی ماند.

بررسی گفت‌وگوی این نشست‌ها به خوبی نشان می‌دهد که خبرگان درصدد آزادی تجمعات اند؛ البته بین آن‌ها اختلاف نظر بوده که برای تجمعات اجازه قبلی هم باشد یا نه، که گروه تصویب‌کننده به عدم اجازه قبلی قائل بوده است. اصرار آن‌ها بر این بود که راهپیمایی‌ها باید بدون حمل سلاح باشد، حتی آقای طاهری گفته بود ضمن مراقبت از اموال عمومی امکانی فراهم شود که صدای مردم شنیده شود؛ زیرا دولت از طریق این